

عیسای مسیح: برّهی خدا

آر. سی. اسپرول

مفهوم برّهی خدا رشته تنیده‌ای است که در طول تاریخ رستگاری جریان دارد. می‌توان آن را از زمان پیدایش ۲۲ دنبال کرد، زمانی که خداوند ابراهیم را فرا خواند تا به کوه موری‌ا برود و پسرش اسحاق را به‌عنوان قربانی تقدیم کند. ابراهیم در اطاعت از خدا آماده شد تا این کار را انجام دهد، اما در آخرین لحظه‌ی ممکن، پس از اینکه ابراهیم اسحاق را بسته و بر قربانگاه قرار داد و آماده فرو بردن چاقو در قلبش بود، خداوند او را متوقف کرد و گفت: «دست خود را بر پسر دراز مکن، و بدو هیچ مکن، زیرا که الان دانستم که تو از خدا می‌ترسی، چون که پسر یگانه‌ی خود را از من دریغ نداشتی» (آیه ۱۲). سپس پشت سر ابراهیم غوغایی شد و او برگشت و قوچی را دید که با شاخ‌هایش در بیشه‌ای گیر کرده بود. خداوند بره‌ای را به‌عنوان قربانی جایگزینی برای پسر ابراهیم فراهم کرد. البته هرگز در پیدایش ۲۲ بیان نشده است که قوچی که ابراهیم گرفت و به جای اسحاق تقدیم کرد، قربانی کفاره بوده است، اما با این حال، این یک قربانی جایگزین بود، و این مفهوم پیش‌زمینه و مبنای کفاره‌ی مسیح است. عیسی به‌عنوان جایگزینی برای ما عمل می‌کند، و خدا خشم خود را به‌دلیل گناهان ما و به‌جای ما، بر وی می‌ریزد. پس خدا خود بره‌ای را فراهم می‌کند و جان آن جایگزین را می‌پذیرد.

خدا خشم خود را به‌دلیل گناهان ما و به‌جای ما، بر وی می‌ریزد.

به همین ترتیب، بی‌شک ما شاهد پیش‌نمایشی از برّهی خدا در عید فصح هستیم. هنگامی که خدا درصدد نازل کردن آخرین بلای خود بر مصریان، یعنی مرگ هر نخست‌زاده‌ی آنها، از جمله ولیعهد فرعون بود، به قوم خود اسرائیل دستور داد که بره‌های بی‌عیب را قربانی کنند و خون آنها را بر چهارچوب خانه‌هایشان بپاشند. خدا وعده داد که از تمام خانه‌هایی که خون بره‌های ذبح شده را بر درهای آن ببیند عبور می‌کند (خروج ۱۲: ۳-۱۳). همانطور که خون آن بره‌ها باعث شد که قوم اسرائیل از خشم خدا در امان بمانند، برّهی خدا قوم خود را از مجازاتی که برای گناه آنها مقرر شده بود، نجات داد.

با توجه به این تصاویر که در پیدایش ۲۲، خروج ۱۲، و دیگر قسمت‌های عهد عتیق می‌بینیم، بسیار احمقانه است که بگوییم عنوان "بره خدا" اختراع یوحنا‌ی رسول است. سخنان یحیی تعمیددهنده متأثر از دانش او از عهد عتیق، یعنی کتاب مقدس یهودیان در زمان مسیح بود.

علی‌رغم استفاده فراوان از عناوین مهم برای عیسی در فصل اول یوحنا - «بره خدا»، «پسر خدا»، «مسیح»، «پسر انسان» و غیره - من باور ندارم که یحیی تعمیددهنده، اندریاس، نتنائیل یا هر یک از شاگردان درک کاملی از معنای این القاب داشتند. یحیی تعمیددهنده‌ای که گفت: «اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد!» در ادامه به زندان انداخته شد و شاگردانش را نزد عیسی فرستاد تا از او بپرسند: «آیا تو آن آینده هستی یا منتظر دیگری باشیم؟» (لوقا ۷: ۲۰). این سؤال نشان می‌دهد که یحیی به‌رغم شهادت چشمگیرش در مورد هویت عیسی، هنوز هویت عیسی را کاملاً درک نکرده بود. مشکل این بود که او انتظارات و تصورات خودش را داشت. او انتظار داشت که بره خدا بیاید و رومیان را بیرون کند، درست همانطور که دیگران انتظار داشتند. و وقتی عیسی را دید که فقط مشغول موعظه کردن است، سردرگم شد.

بره خدا قوم خود را از مجازاتی که برای گناهان آنها در نظر گرفته شده بود، نجات داد.

عیسی به فرستادگان یحیی گفت: «بروید و یحیی را از آنچه دیده و شنیده‌اید خبر دهید که کوران، بینا و لنگان، خرامان و ابرصان، طاهر و کران، شنوا و مردگان، زنده می‌گردند و به فقرا بشارت داده می‌شود.» (لوقا ۷: ۲۲). عیسی به معجزات خود اشاره کرد تا هویت خود را برای یحیی شاکاک تأیید کند. او همچنین به پیشگویی مسیحایی در اشعیا ۶۱: ۱-۲ اشاره کرد که می‌گوید:

«روح خداوند یهوه بر من است،

زیرا خداوند مرا مسح کرده است

تا مسکینان را بشارت دهم

و مرا فرستاده تا شکسته‌دلان را التیام بخشم

و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم،

و تا از سال پسندیده خداوند

و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم

و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم.»

این جملات دقیقاً مثل این بود که انگار عیسی می‌گفت: «یحیی، اگر واقعا کتاب مقدس خود را مطالعه کرده بودی، نمی‌پرسیدی که آیا من کسی هستم که قرار است بیایم یا نه. لازم نیست به دنبال دیگری بگردی. درست گفتم. من بره خدا هستم.»

پطرس نیز به همین ترتیب سردرگم بود، حتی زمانی که اعتراف بزرگ خود را در فیصریه فیلیپس اعلان کرد. پطرس در پاسخ به سؤال عیسی مبنی بر اینکه شاگردان فکر می‌کنند او کیست، گفت: «تویی مسیح، پسر خدای زنده!» (متی ۱۶: ۱۶). عیسی صحت

این اعتراف را تأیید کرد و پطرس را برای درکش از این موضوع «خوشا به حال» خواند. اما بلافاصله پس از آن، هنگامی که عیسی به شاگردان خود گفت که بایستی به اورشلیم برود تا رنج کشیده و بمیرد، پطرس او را سرزنش کرد و گفت: «حاشا از تو ای خداوند که این بر تو هرگز واقع نخواهد شد.» (متی ۱۶: ۲۲). برای یک دقیقه پطرس تأیید کرد که عیسی، مسیح است، و یک دقیقه بعد، نشان داد که او حقیقتاً معنای مسیح بودن عیسی را درک نکرده است.

ما هم البته مستعد همین سردرگمی هستیم. تنها زمانی که به کل تصویر نگاه می‌کنیم، با در نظر گرفتن صلیب، رستاخیز، صعود، و نزول روح در روز پنطیکاست، شروع به دیدن اعماق و غنای همه‌ی چیزهایی می‌کنیم که خدا ما را از آنها مطلع کرد، زمانی که نبی‌اش گفت: اینک بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد.

دکتر آر. سی. اسپرول، بنیانگذار خدمات لیگونیر، اولین کشیش جهت موعظه و تعلیم در کلیسای سنت اندرو در سنفورد ایالت فلوریدا و اولین رئیس دانشگاه الهیات ریفورمیشن بایبل کالج بود. ایشان نویسنده‌ی بیش از یک‌صد جلد کتاب، از جمله قدوسیت خدا بوده است.

این نوشته برگرفته از [تفسیر یوحنا](#) **دکتر آر. سی. اسپرول** می‌باشد.